

زمانی که مجموع کار بازار و کار خانگی محاسبه می شود، به احتمال بیشتری ساعات کاری طولانی تری دارند، اما درآمد کمتری کسب می کنند، مالک دارایی کمتری اند و سهم کمتری از مشاغل رسمی را در اختیار دارند. در همه مناطق جهان، سهم زنان از درآمد نیروی کار پایین تر از مردان است و پیشرفت در کاهش این شکاف‌ها بسیار کند بوده است، حتی در جاهایی که دستاوردهایی در آموزش یا میزان مشارکت در اشتغال حاصل شده، این پیشرفت‌ها به دستمزد برابر با دسترسی برابر به فرصت‌ها منجر نشده است. داده‌ها نشان می‌دهد، زنان بسیار کمتر احتمال دارد شغل با مزد داشته باشند و حتی در صورت اشتغال، دستمزد ساعتی آن‌ها به مراتب کمتر است. بنابراین داستان ساعات کار، داستانی از دستاوردهای نابرابر است. شاید بشریت در مجموع ساعات کمتری کار کند اما مردان بیشترین بهره را از کاهش کار رسمی برده‌اند، در حالی که بار کاری کل زنان، همچنان بالا باقی مانده است. این توزیع نابرابر زمان، یکی از روشن ترین شواهد آن است که بهبود شرایط کار به‌طور خودکار به برابری جنسیتی منجر نشده است.

در این گزارش جدید نوشته‌شده، وقتی بررسی می کنیم که ساعات کار و درآمد چگونه میان زنان و مردان تقسیم شده است، واقعیتی چشمگیر آشکار می شود؛ جهان هنوز فاصله زیادی تا دستیابی به برابری جنسیتی دارد. هیچ منطقه‌ای در جهان به توازن ۵۰-۵۰ میان زنان و مردان نرسیده است و شکاف‌ها به‌ویژه در جنوب آسیا، خاورمیانه و بخش هایی از آفریقا بسیار عمیق اند؛ جایی که زنان کمتر از یک چهارم کل درآمد نیروی کار در یافت می کنند. در مقابل اروپا، آمریکای شمالی، اقیانوسیه، روسیه و آسیای مرکزی، بالاترین سهم درآمد نیروی کار زنان را ثبت کرده‌اند؛ حدود ۴۰ درصد، اما حتی این رقم هم کمتر از حالت برابری کامل است که مستلزم سهم ۵۰درصدی زنان از درآمد نیروی کار خواهد بود.نابرابری جنسیتی همچنان یکی از ویژگی های تعیین کننده و پایدار اقتصاد جهانی است. زنان امروز تحصیل کرده تر هستند، حضور فعال تری در بازار کار دارند و بیش از گذشته در موقعیت های رهبری دیده می شوند، اما جایگاه اقتصادی آن ها همچنان از مردان عقب تر است.

پیوند تبعیض طبقاتی و جنسیتی در ایران

در این گزارش نوشته‌شده، مشارکت زنان در بازار کار ایران همچنان بسیار پایین و در سطح ۷/۳ درصد باقی مانده و در طول یک دهه گذشته تقریباً هیچ پیشرفتی نداشته است. در مجموع، نابرابری در ایران در حوزه های درآمد، ثروت و جنسیت همچنان پابرجاست و نشانه های محدودی از بهبود دیده می شود. به گفته شیوا علینقیان، ازمنظر جنسیتی، این فروپاشی هنجاری اثر مضاعف دارد: «زنانی که به‌طور تاریخی دسترسی محدودتری به مالکیت، سرمایه، ارث و شبکه‌های قدرت داشته‌اند، بیش از دیگران با این انسداد ساختاری مواجه می‌شوند. بنابراین نابرابری افراطی ثروت، نه‌تنها نابرابری طبقاتی، بلکه نابرابری جنسیتی را تثبیت و طبیعی سازی می‌کند؛ زیرا امکان تصور «بازار رفتن» را برای بسیاری از زنان، به‌ویژه زنان طبقات پایین و متوسط، عملاً از میان می‌برد.» او می‌گوید از منظر جنسیتی، این وضعیت به‌طور خاص علیه زنان عمل می‌کند: «زنانی که دسترسی محدودتری به بازار مسکن، وام، سرمایه اولیه و ارش برابر دارند، در این نظام رانتی عملاً به حاشیه رانده می‌شوند. در نتیجه نابرابری ثروت در ایران هم‌زمان طبقاتی و جنسیتی است، حتی اگر در آمار رسمی به‌صورت خشن جنسیت نمایش داده شود.» این انسان‌شناس می‌گوید از منظر جنسیتی، مسکن و مالکیت در ایران یک گلوگاه کلیدی است: «زنان به‌ویژه زنان مجرد، مطلقاً با سرپرست خانوار، کمتر مالک مسکن اند و بیشتر به بازار اجاره وابسته‌اند؛ بازاری که خود یکی از موتورهای اصلی بازتولید نابرابری است. همچنین ارث، با وجود قوانین رسمی، درعمل اغلب از طریق عرف، فشار خانوادگی و نابرابری قدرت به‌ضرر زنان بازتوزیع می‌شود. در نتیجه نابرابری ثروت به‌صورت خاموش اما مداوم، نامنی، وابستگی و تبعیض جنسیتی تولید می‌کند.»

علینقیان می‌گوید شکاف درآمدی زنان به‌ویژه عدد بسیار پایین خاورمیانه (۱۶ درصد) پیش از آن که مسئله‌ای اقتصادی باشد، ریشه‌ای عمیقاً نهادی، سیاسی و فرهنگی دارد و اقتصاد در اینجا بیشتر نقش «میدان بروز» را بازی می‌کند تا علت اصلی: «از منظر سیاس-نهادی، سهم ۲۸ درصد جهانی و ۱۶ درصد منطقه‌ای نشان می‌دهد که زنان نه‌فقط کمتر دستمزد می‌گیرند، بلکه به‌طور ساختاری از بخش بزرگی از بازار کار مردی کنار گذاشته شده‌اند. این کنارگذاری، نتیجه مجموعه‌ای از سیاست‌ها و نهادهاست؛ قوانین کار، سیاست‌های استخدام، نظام‌های تأمین اجتماعی، تعریف شغل رسمی و غیررسمی، حتی سیاست‌های شهری و حمل‌ونقل. در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، مشارکت اقتصادی زنان نه‌تنها با موانع اقتصادی، بلکه با محدودیت‌های حقوقی و سیاسی مستقیم (در اشتغال، ساعات کار، امنیت شغلی، یا پیوند اشتغال با نقش خانوادگی) مواجه است. بنابراین شکاف درآمدی بازتاب «نبود فرصت برابر» است، نه صرفاً تفاوت دستمزد.»

او می‌گوید در سطح فرهنگی، گزارش به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که بخش بزرگی از کار زنان اصلاً به‌عنوان «درآمد شغلی» به رسمیت شناخته نمی‌شود: «کار مراقبتی، خانگی، عاطفی و بازتولیدی- که ستون پنهان اقتصاد است- یا بدون دستمزد است یا در بازارهای غیررسمی انجام می‌شود. این حذف آماری، یک حذف سیاسی و فرهنگی است: ارزش گذاری اجتماعی پایین کار زنان باعث می‌شود که حتی وقتی زنان کار می‌کنند، «درآمد» آن‌ها یا دیده نشود یا کم‌اهمیت تلقی شود. در خاورمیانه، این منطق فرهنگی شدیدتر عمل می‌کند، زیرا نقش نان آور مردانه هنوز هنجار مسلط است و اشتغال زنان اغلب «ثانویه» یا «موقتی» تلقی می‌شود. از منظر جنسیتی، شکاف ۱۶ درصدی را باید نشانه‌ی تقاطع نابرابری جنسیتی با سیاست‌های بازار کار، خانواده و دولت دانست. زنان بیش از مردان در بخش های کم‌درآمد، غیررسمی و ناامن متمرکزند،

دسترسی کمتری به مشاغل مدیریتی دارند و به واسطه مسئولیت های مراقبتی، مسیر شغلی شان گسسته و ناپایدار است. این وضعیت نه نتیجه انتخاب فردی، بلکه حاصل طراحی نهادی ای است که کار مراقبتی را خصوصی، زنانه و بی دستمزد فرض می‌کند و هزینه آن را به بدن و زمان زنان منتقل می‌کند.»

این انسان شناس می گوید، وقتی زنان سهم اندکی از درآمد، ثروت و امنیت اقتصادی دارند، کودکان در خانواده‌ها با یک «نظم نابرابر طبیعی‌شده» رشد می‌کنند: «پسران یاد می‌گیرند که دسترسی به منابع، تصمیم‌گیری و استقلال اقتصادی حق طبیعی آن‌هاست و دختران می‌آموزند که وابستگی، احتیاط و محدودسازی آرزوها بخشی از زیست زنانه است. این یادگیری اغلب بدون گفتار مستقیم رخ می‌دهد؛ از طریق مشاهده اینکه چه کسی مالک خانه است، چه کسی تصمیم‌نهایی را می‌گیرد و چه کسی کارش دیده نمی‌شود. در این معنا، تداوم شکاف اقتصادی زنان به انتقال بین‌نسلی نابرابری می‌انجامد. دختران با سرمایه اقتصادی، اجتماعی و نمادین کمتری وارد بزرگسالی می‌شوند؛ دسترسی محدودتری به تحصیل با کیفیت، شبکه‌های حمایتی و ریسک‌پذیری اجتماعی دارند؛ و در نتیجه احتمال بازتولید همان موقعیت نابرابر برایشان بیشتر است. انسان شناسی نشان می‌دهد که این چرخه فقط فقر مادی تولید نمی‌کند، بلکه فقر افق های ممکن را هم بازتولید می‌کند. اینکه چه آینده‌ای «قابل تصور» است و چه آینده‌ای اساساً به ذهن خطور نمی‌کند.»

خدیجه کشاورز، استادیار جامعه‌شناسی هم می‌گوید در ایران با وجود اینکه شکاف تحصیلی بین زن و مرد کم شده است و زنان بسیاری توانسته‌اند به تحصیلات دانشگاهی دست پیدا کنند ولی بازار کار بر زنان به شدت بسته است: «نظام ارزشی مسلط هم عملاً زنان را بیشتر به حوزه خصوصی و نقش های خانگی متعلق می‌داند و تلاشی برای باز کردن مسیر اشتغال زنان نمی‌کند.» به گفته او، قوانین نابرابر و عرف مردسالار هم مانع این است که زنان در زندگی زنانه‌ی خود بتوانند در ثروت خانواده شریک شوند، به همین دلیل سهم زنان از ثروت جامعه اندک است: «متأسفانه به نظر می‌رسد نابرابری های کنونی در نسل های بعدی بازتولید شود و نابرابری های جنسیتی تداوم یابد. من در میان دانشجویان زن به‌ویژه در مناطق فرو دست تر و حاشیه‌ای ایران، با ناامیدی از پیدا کردن کار بیشتر از دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران مواجه بودم. این ناامیدی از پیدا کردن کار و بستن بودن بازار کار به بخش مهمی از دختران، نگاهی داده بود که تقسیم نقش جنسیتی را می‌پذیرفتند؛ یعنی در نبود کار؛ نگاهی را می‌پذیرفتند که مردان را نان آور می‌دانستند و کار اصلی خودشان را خانه‌داری. این موقعیت، نابرابری جنسیتی را تحکیم می‌و تداوم می‌بخشد و حتی سلطه‌م‌ذکر را قدرتمندتر می‌کند.»

«سیمین کاظمی»، جامعه‌شناس هم می‌گوید ترکیبی از عوامل اقتصاد، فرهنگی و نهادی در کاهش سهم زنان از ثروت درآمد نقش دارند: «نظم اقتصادی مسلط دوره ما بر تقسیم کار جنسیتی استوار شده است که خود ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد. در این تقسیم کار، زنان مناسب مراقبت و خدمت خانگی شمرده می‌شوند که کار غیردستمزدی هستند، یعنی زنان خانه‌دار در حالی که شبانه‌روز کار می‌کنند، نه درآمد دارند، نه ثروت. حتی وقتی زنان تقسیم‌کار جنسیتی تحمیلی را می‌شکنند و وارد بازار کار می‌شوند، مجبورند به سمت کارهایی بروند که واجد ارزش کمتری شمرده می‌شوند، در آن‌ها احتمال پیشرفت کمتر و امکان ازدست رفتن شان بیشتر است؛ ولی به لحاظ زمانی انعطاف بیشتری دارند، مثل کارهای پاره وقت یا کار در خانه که بتوانند به نقش های خانگی شان هم برسند.»

«شیرین احمدنیا»، جامعه‌شناس هم می‌گوید جنسیت که خود مبنای فرهنگی دارد، تعیین کننده مهمی برای تفکیک و تمایز جایگاه انسان‌هاست: «تفاوت‌های جنسیتی در هر جامعه‌ای، در توزیع فرصت‌های رشد و ارتقا نقش ایفا می‌کند. هر چه جوامع کمتر توسعه‌یافته باشند، بی‌عدالتی های جنسیتی پررنگ ترند و این آمار به خوبی نشان دهنده این شکاف چشمگیر است و اگر جز این بود، جای تعجب داشت.»

نابرابری در فرصت‌ها؛ آموزش

نابرابری در آموزش، در جهان هم وضعیت بحرانی دارد؛ آنطور که این گزارش می‌گوید در زمینه آموزش، شکاف بسیار گسترده‌تری نسبت به آنچه اکثر مردم تصور می‌کنند وجود دارد. میانگین هزینه آموزشی به ازای هر کودک در آفریقا حدود ۲۰۰ (یورو) بوده در حالی که این رقم در اروپا ۷۴۰۰ یورو و در آمریکای شمالی و اقیانوسیه ۹۰۰۰ یورو است؛ شکافی بیش از نسبت یک به ۴۰، یعنی تقریباً سه برابر شکاف موجود در تولید ناخالص داخلی سرانه. چنین اختلافاتی شانس های زندگی را در طول نسل‌ها شکل می‌دهد و فرصتی ایجاد می‌کند که سلسله مراتب جهانی ثروت را تشدید و تثبیت می‌کند. دسترسی نابرابر به خدمات عمومی (آموزش، سلامت، حمل‌ونقل و سایر زیرساخت‌ها)، فرصت‌های شغلی، مواجهه با شوک‌های تجاری و انسجام اجتماعی را تضعیف کرده و ائتلاف‌های لازم برای اصلاحات بازتوزیعی را آسیب‌پذیر ساخته است.

حتی در حوزه آموزش- جایی که ثبت‌نام دختران در مقطع دبیرستان به‌طور چشمگیری افزایش یافته- برابری کامل در سطح جهانی هنوز محقق نشده است. «خدیجه کشاورز»، جامعه‌شناس می‌گوید این ارقام نشان دهنده شکاف بسیار بالا بین ثروتمندان و فقرا و نشان دهنده فقیر شدن طبقه متوسط در ایران است: «وضعیتی که همه ما با پوست و گوشت در حال لمس آن هستیم. این شکاف را در عرصه آموزش عمومی و عالی به خوبی می‌توان لمس کرد.» او می‌گوید اگر به آمار بهترین رتبه‌های کنکور در سال‌های اخیر نگاه کنیم، می‌بینیم که بهترین دانشگاه‌های مادر دسترس دهک‌های بالای جامعه هستند: «مثلاً در آمار ورودی‌های دانشگاه شریف در ۱۴۰۲ تنها دو درصد از دهک پایین جامعه بودند و درصد بسیار بالایی، از بالاترین دهک‌ها بودند. یا ما با خصوصی شدن شدید

آموزش مدرسه‌ای روبه‌رو هستیم و کاهش شدید نمرات دانش آموزان. به‌طوری که عملاً ثروتمندان، فرزندان شان را به مدارس خوب خصوصی می‌فرستند و اکثریت مردم، مجبورند فرزندان شان را به مدارس بی کیفیت دولتی بفرستند.» به گفته کشاورز، مدرسه که قرار بود عدالت را در جامعه گسترش دهد، خود به عاملی برای بازتولید نابرابری تبدیل شده و عملاً رشته‌ها و دانشگاه‌های خوب در اختیار فرزندان ثروتمندان است: «این شکاف روز به‌روز عمیق تر می‌شود. در تحقیقاتم با این موضوع مواجه بوده‌ام که مثلاً برای دسترسی به مدارس تیزهوشان از طریق امتحانات ورودی- که بخش مهمی از بهترین رتبه‌ها از آن مدرسه‌ها برمی‌خیزند- واقعاً والدین برای بچه‌ها خرج می‌کنند و با گرفتن معلم و فرستادن به کلاس‌های آمادگی برای امتحان ورودی، اغلب این شاگردان موفق به ورود به این مدارس می‌شوند. درباره کنکور ورود به دانشگاه هم بچه‌های با رتبه خوب، اغلب برای آمادگی برای کنکور هزینه کرده‌اند. این افسانه است که بچه‌ای بتواند فقط با خواندن کتاب‌های درسی، رتبه خوب بیاورد.» به گفته او تحلیل آماری نتایج کنکور در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که در میان رتبه‌های کمتر از سه هزار گروه‌های پنج‌گانه آموزشی بیش از ۷۹ درصد از سده‌هک آخر درآمدی یعنی پر درآمدترین دهک‌ها هستند: «در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی ۸۶ درصد ورودی‌ها از سه دهک آخرند.»

بحران اقلیمی، بحران سرمایه

گزارش نابرابری‌های جهانی ۲۰۲۶ در بخش مربوط به تغییرات اقلیمی نوشته که ۱۰ درصد طبقه ثروتمند در جهان، حدود ۷۷ درصد گازهای گلخانه‌ای ناشی از مالکیت خصوصی را ایجاد می‌کنند، در حالی که ۵۰ درصد پایین تنها سه درصد را؛ اما همین ۵۰ درصد بیشترین زبان‌ها را از تغییر اقلیم متحمل می‌شوند. نویسندگان گزارش بر این نکته تأکید دارند که ثروت و تغییرات اقلیمی از طریق چرخه‌های بازخوردی قدرتمند به یکدیگر گره خورده‌اند. ثروتمندترین افراد نه تنها مصرف بیشتری دارند، بلکه مالک دارایی‌هایی هستند و از آن‌ها سود می‌برند که بخش عمده‌ای از انتشار گازهای گلخانه‌ای را تولید می‌کنند. وقتی انتشارها به جای مصرف، براساس مالکیت نسبت داده می‌شوند، نابرابری حتی آشکارتر می‌شود: یک درصد بالای جمعیت جهان مسئول بیش از ۴۰ درصد از انتشارها هستند، در حالی که نیمی از پایین جمعیت، تقریباً هیچ سهمی در این انتشارها ندارد. این تمرکز هم‌زمان قدرت اقتصادی و زیست محیطی، چگونگی مواجهه جوامع با بحران اقلیمی را شکل می‌دهد. یافته‌های این فصل به یک نتیجه‌گیری مرکزی رسیده است؛ بحران اقلیمی یک بحران سرمایه است. اقدام مؤثر در برابر تغییرات اقلیمی مستلزم آن است که مقررات سرمایه‌گذاری، ساختارهای مالکیت و نظام مالیات‌ستانی از سرمایه را بازاندیشی کنیم. سیاست‌هایی مانند محدودیت بر سرمایه‌گذاری‌های جدید در سوخت‌های فسیلی، مالیات‌های تصاعدی بر ثروت که عملاً نوعی جریمه کرنی اعمال می‌کنند و گسترش مالکیت عمومی دارایی‌های مرتبط با اقلیم، می‌توانند گذار را تسریع کرده و به کاهش نابرابری‌های ثروت کمک کنند. اگر در طراحی سیاست‌های اقلیمی به توزیع سرمایه و الگوهای مالکیت نپردازیم، فرصت مهمی را برای مقابله با یکی دیگر از اشکال عمیقاً نهادینه‌شده نابرابری از دست خواهیم داد.

یک نتیجه‌گیری برای اقدام فوری

ایسن گزارش در پایان نتیجه‌گیری کرده که نابرابری، یک انتخاب سیاسی است و نوشته که این نابرابری حاصل سیاست‌ها، نهادها و ساختارهای حکمرانی ماست. هزینه‌های تشدید نابرابری روشن است؛ شکاف‌های روبه‌گسترش، دموکراسی‌های شکننده و بحرانی اقلیمی که بیشترین بار آن بر دوش کسانی می‌افتد که کمترین نقش را در ایجادش داشته‌اند. اما امکان‌های اصلاح هم به‌همان اندازه روشن‌اند. هر جاکه بازتوزیع قوی باشد، نظام مالیاتی عادلانه عمل کند و سرمایه‌گذاری اجتماعی در اولویت قرار گیرد، نابرابری کاهش می‌یابد. ابزارها وجود دارند، چالش، اراده سیاسی است. انتخاب‌هایی که در سال‌های پیش‌رو انجام می‌دهیم تعیین خواهد کرد که آیا اقتصاد جهانی همچنان در مسیر تمرکز افراطی پیش می‌رود یا به‌سوی راه مشترک حرکت می‌کند. سرمایه همچنان به‌سوی تولید سوخت‌های فسیلی جریان دارد و دهها انتشار آینده را تثبیت می‌کند، حتی در شرایطی که کشورهای ثروتمند تعهد می‌دهند اقتصاد خود را کربن زدایی کنند. هم‌زمان، فقیرترین جمعیت‌ها- که کمترین مسئولیت را در ایجاد بحران دارند- بیشترین زیان نسبی را از پیامدهای تغییرات اقلیمی متحمل می‌شوند. تغییرات اقلیمی همچنین به بازتوزیع ثروت می‌انجامد.



وزارت راه و شهرسازی

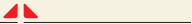
اداره کل راه و شهرسازی استان قم

خبرسازان



مرگ سالی ۲۰ هزار نفر در تصادفات

جانشین رئیس پلیس راهور فراجا با بیان اینکه سالانه حدود ۲۰ هزارنفر در تصادفات رانندگی جان خود را از دست می‌دهند، این آمار را فاجعه‌ای انسانی توصیف کرد و گفت که پلیس راهور با دراز کردن دست همکاری به‌سوی شرکت‌های داش بنیان، به‌دنبال بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و هم‌افزایی میان دستگاه‌ها، برای مدیریت هوشمند ترافیک و کاهش سوانح رانندگی است. حسن مومنی در ادامه گفت که سالانه حدود ۲۰ هزارنفر از هم‌وطنان‌مان، در تصادفات جان خود را از دست می‌دهند و نزدیک به ۴۰۰ هزارنفر مصدوم می‌شوند که ۱۰ تا ۱۵ درصد آنان دچار معلولیت می‌شوند؛ «بیش از ۳۰ دستگاه در موضوع تصادفات، نقش دارند و اگر بتوانیم میان همه این دستگاه‌ها هم‌افزایی کامل ایجاد کنیم و هر کدام مسئولیت‌های خود را به‌درستی انجام دهند، می‌توان به کاهش محسوس تصادفات امیدوار بود. با وجود تفاوت دیدگاه‌ها، در این جمع یک وجه مشترک وجود دارد و آن اراده جدی برای کاهش تصادفات است.»



ادامه قطعی شبانه آب در تهران

سخنگوی استانداری تهران خبر داده است، تا زمانی که شبکه آبرسانی به پایداری کامل برسد، سیاست مدیریت شبکه آب از طریق کاهش فشار دنبال می‌شود. این اقدام به‌منظور جلوگیری از هدررفت آب و ایجاد دسترسی عادلانه برای همه مناطق تهران انجام می‌شود و به‌معنای قطع آب نیست. علی رزازی ادامه داد: «این روند تا رسیدن به پایداری ادامه خواهد داشت و از شهروندان درخواست می‌کنیم توصیه‌های وزارت نیرو را جدی بگیرند تا در حوزه آبرسانی و مدیریت بحران آب، با مشکلات جدی تری مواجه نشویم. در این زمینه ارتباط مستقیم با شرکت آب و فاضلاب و وزارت نیرو می‌تواند به اطلاع‌رسانی دقیق‌تر کمک کند.»

فراخوان مناقصه ۰۲-۱۴۰۴

نوبت دوم

اداره کل راه و شهرسازی استان قم به نمایندگی از سازمان ملی زمین و مسکن در نظر دارد نسبت به مناقصه عمومی جهت اجرای پروژه به شرح ذیل اقدام نماید:

ردیف	موضوع	نوع مناقصه	مبلغ برآورد (به ریال)	نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (به ریال)	رشته مرتبط و حداقل رتبه گواهی صلاحیت پیمانکاری مورد نیاز
۱	تهیه، حمل، باراندازی و نصب دو دستگاه چیلر مجتمع تجاری محله ۳ پردیسان مطابق مشخصات و نقشه	یک مرحله‌ای عمومی	۹۱۳۳۰۰۰۰۰۰۰۰	ضمانت نامه بانکی یا واریز وجه – ۴۵۶۷۰۰۰۰۰۰۰	دارای پروانه طراحی و مونتاز

مهلت و نشانی خرید اسناد مناقصه:

دریافت اسناد مناقصات فوق الذکر صرفاً از طریق سامانه ستاد ایران به نشانی SETADIRAN.IR از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ لغایت ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ قابل دسترس می باشد.

مهلت و نشانی تسلیم پیشنهادها:

پیشنهادها باید حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ در سامانه SETADIRAN.IR ارائه گردد.

توجه: مناقصه گران مبیا‌یست پاکت الف (اصل ضمانت نامه شرکت در مناقصه) را به صورت مهر و موم شده حداکثر تا پایان وقت اداری تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ به دبیرخانه اداره کل راه و شهرسازی استان قم به آدرس ذیل، تحویل نمایند.

محل و زمان افتتاح پاکت های مناقصه:

کمیسیون مناقصه راس ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ در محل سالن جلسات اداره کل راه و شهرسازی قم تشکیل و پیشنهادهاتی که تا موعد مقرر وصول گردیده، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. در صورت وجود ارزیابی کیفی، پاکت‌های ارزیابی در جلسه یاد شده بازگشایی و در جلسه‌ای جداگانه پیشنهادهاتی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی را کسب کرده اند، مورد بررسی کمیسیون قرار خواهند گرفت.

همچنین متقاضیان محترم جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به اداره پیمان و رسیدگی و یا به سایت اینترنتی اداره کل راه و شهرسازی استان قم qom.mrud.ir و یا پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی irts.mporg.ir مراجعه نمایند. ارائه کد کاربری ثبت نام در پایگاه اطلاع رسانی مناقصات جهت درج اطلاعات برنده مناقصه الزامی می‌باشد.

اداره کل راه و شهرسازی قم به آدرس: قم، میدان ۷۲تن، مابین عوارضی تهران کاشان، جنب نمایندگی ایران خودرو تلفن تماس: ۰۵-۵۲۵۳۶۶۶۰۰۰

شماره آگهی: ۲۰۷۰۷۸۴

اداره کل راه و شهرسازی استان قم